

## بررسی وضعیت حیات زبانی مازندرانی در مناطق شهری

محمد واخیده<sup>۱</sup>

محمد امین صراحی<sup>۲</sup>

مریم دانای طوس<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۸

### چکیده

در سال ۲۰۰۳ یونسکو دستورالعملی را برای برآورد حیات زبان‌ها و میزان در معرض خطر بودن آنها ارائه داد. مزیت برآورد این است که با شناخت حوزه‌های کاربرد زبان و وضعیت موجود زبان در هر یک از عوامل نه‌گانه معرفی شده یونسکو می‌توان راهکارهایی برای گسترش کاربرد، ثبات و مستندسازی و در نتیجه پیشگیری از انقراض زبان اندیشید. هرچند مهم‌ترین عامل در زنده ماندن هر زبانی انتقال زبان از والدین به فرزندان و به عبارتی دیگر، انتقال بین‌نسلی است، اما عوامل دیگری نیز بر حیات زبانی تأثیرگذار هستند و برای برآورد وضعیت حیات زبانی باید همه این عوامل را در کنار هم سنجید. هدف این پژوهش بررسی وضعیت حیات زبانی مازندرانی و برآورد نقاط ضعف و قوت آن با به‌کارگیری شیوه‌های یونسکو است. مازندرانی از زبان‌های ایرانی کرانه جنوبی دریای کاسپین است و حدود ۳ میلیون گویشور دارد. این زبان نیز همانند دیگر زبان‌ها و گویش‌های محلی و منطقه‌ای ایران به دلایلی که تا حدودی در مقاله به آنها پرداخته شده در حال از دست دادن گویشوران خود است.

واژگان کلیدی: حیات زبانی، مازندرانی، تغییر زبانی، جامعه‌شناسی زبان، یونسکو

✉ aminsorahi@hotmail.com

۱. کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

۲. استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. (نویسنده مسؤل)

۳. دانشیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

## ۱- مقدمه

تغییر زبانی<sup>۱</sup> فرایندی است که در آن یک جامعه زبانی در تماس با جامعه زبانی دیگر، به تدریج زبان خود را رها می‌کند و به استفاده از زبان دیگر روی می‌آورد. این فرایند که معمولاً منجر به در خطر قرار گرفتن و احتمالاً مرگ آن زبان می‌گردد، رخدادی فراینده در جهان است. تقریباً نیمی از ۷۰۰۰ زبان زنده دنیا در فهرست زبان‌های در معرض خطر قرار دارند (کمپل<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۳: ۱؛ گائو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵: ۱۶۴). مفهوم «حیات قومی-زبانی» را نخست جایلز، بورهیز و تیلور<sup>۴</sup> (۱۹۷۷) برای تحلیل متغیرهای اجتماعی-ساختاری تأثیرگذار بر توان جوامع قومی-زبانی در داخل فضاها درون گروهی مطرح کردند. حیات گروه قومی-زبانی امکان می‌دهد تا گروه به صورت موجودیت یا نهادی متمایز و جامع در فضاها درون گروهی عمل کند (جایلز و همکاران، ۱۹۷۷: ۳۰۸). بدین صورت که هرچه یک گروه قومی-زبانی درجه حیات بالاتری داشته باشد، احتمال بقای آن گروه به عنوان موجودیتی جامع بیشتر خواهد بود. درمقابل، گروه‌های قومی-زبانی که میزان حیات پایینی دارند یا فاقد آن هستند، موجودیت خود را به عنوان یک گروه زبانی متمایز در فضای درون گروهی از دست خواهند داد.

جایلز و همکاران (همان‌جا) سه بعد گسترده از متغیرهای ساختاری را به عنوان تأثیرگذارترین عوامل احتمالی بر حیات گروه‌های قومی-زبانی پیشنهاد می‌کنند: عوامل مردم‌نگاشتی<sup>۵</sup>، حمایت رسمی و سازمانی<sup>۶</sup> و عوامل موقعیتی<sup>۷</sup>؛ متغیرهای مردم‌نگاشتی به تعداد اعضای گروه قومی-زبانی و توزیع آنها در یک قلمرو شهری، منطقه‌ای یا ملی اشاره می‌کند. عوامل رسمی و کنترل برمی‌گردند به اینکه یک گروه قومی-زبانی تا چه اندازه توانسته است خود را به صورت رسمی یا غیررسمی در سازمان‌ها و مؤسسات مختلف در جامعه، منطقه، یا کشور بازنمایی و معرفی کند. این بعد از حیات قومی-زبانی را می‌توان درجه‌ای از قدرت نسبی اجتماعی به حساب آورد که یک گروه قومی-زبانی در مقابل گروه‌های عمده دیگر از آن برخوردار می‌شود، به حدی که اعضای گروه غالب می‌توانند قدرت خود را برای تثبیت امتیاز خود مقابل اعضای گروه‌های دیگر به کار برند (ساجد و بورهیز<sup>۸</sup>، ۱۹۹۱: ۲۹۵). متغیرهای «موقعیت» آنهایی هستند که مرتبط با

1. Language Shift
2. Campbell
3. Gao
4. Giles, Bourhis and Taylor
5. Demographic factors
6. Institutional support
7. Status factors
8. Sachdev and Bourhis

پرستیژ اجتماعی جامعه زبانی، وضعیت اجتماعی-تاریخی آن جامعه و پرستیژ زبان و فرهنگ آن جامعه، نه تنها در محدوده اطراف قلمرو خود، بلکه در حوزه بین‌المللی‌اند.

حیات زبانی رابطه‌ای تنگاتنگ با در خطر بودن زبان دارد، یعنی هرچه زبانی بیشتر در خطر باشد، شاخص حیات پایین‌تری دارد و برعکس (هاروود، جایلز، و بورهیز، ۱۹۹۴: ۱۶۸). در فرایند تغییر زبانی، یک زبان ارتباطی جایگزین زبان غالب یک جامعه زبانی می‌شود. این جایگزینی زبان ممکن است به رهاکردن جزئی یا کلی زبان بینجامد. با اینکه چندزبانگی می‌تواند در زندگی صدها میلیون نفر در سراسر دنیا بخشی از بافت اجتماعی باشد، در بسیاری از موارد منجر به تغییر زبان و گرایش به چند زبان غالب در دنیا شده، و در نتیجه تنوع زبانی دنیا را کاهش داده و زبان‌های اقلیت را به حاشیه رانده و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تک‌زبانگی را رقم زده‌است (دوایر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹: ۱).

تعیین معیارهای فعال برای مقابله با تغییر زبان از ملزومات حفظ زبان<sup>۲</sup> یا تجدید حیات زبان<sup>۳</sup> است. برآورد زبانی پیش‌نیازی است هم برای درک ابعاد تغییر زبان و هم برای تعیین معیارهایی برای تجدید حیات زبان. لازمه برآورد میزان وقوع تغییر زبان، تعیین و به‌کارگیری دسته‌ای از متغیرهای جامعه‌شناختی-زبانی است که قابلیت سنجش بالایی دارند، مثل تعداد و سن گویشوران، یا وجود نظام نوشتاری، مواد آموزشی یا رسانه‌ای به زبان مورد نظر (لوییز و سایمونز، ۲۰۱۰: ۳). در زمینه برآورد میزان وقوع تغییر زبان، یکی از مؤثرترین ابزارها مقیاس درجه انقطاع بین‌نسلی فی‌شمن<sup>۴</sup> (۱۹۹۱) است که لوییز و سایمونز<sup>۵</sup> (۲۰۱۰: ۱۱۴) با عنوان بسط مقیاس درجه انقطاع بین‌نسلی آن را به‌روزرسانی کرده‌اند و دیگری «عوامل نه‌گانه» یونسکو (۲۰۰۳) است که به‌عنوان چارچوب اصلی این پژوهش برای مطالعه گونه زبانی مازندرانی انتخاب شده و در بخش شیوه پژوهش توضیح داده خواهد شد.

مازندرانی یا «تبری» از زبان‌های ایرانی نو شمال غربی است که جزو زیرشاخه زبان‌های حاشیه دریای کاسپین به‌شمار می‌آید و با گیلکی، تالشی، تاتی و سمنانی ارتباط خویشاوندی نزدیکی دارد. نزدیک به ۳،۵۰۰،۰۰۰ نفر در ایران به یکی از گویش‌های مازندرانی سخن می‌گویند. قلمرو مازندرانی از شرق گرگان آغاز می‌شود و در حاشیه دریای کاسپین و امتداد کوه‌های البرز تا تنکابن ادامه پیدا می‌کند. این گونه زبانی غیر از استان‌های مازندران و

1. Dwyer
2. language Maintenance
3. language Revitalization
4. GIDS: Graded Intergenerational Disruption Scale
5. Lewis and Simons

گلستان، در بعضی مناطق شمالی استان‌های سمنان، تهران و البرز نیز رواج دارد. گویش‌های مختلف آن غیر از تفاوت‌های آوایی و تلفظی، تفاوت‌های محدود واژگانی و ساختاری نیز دارند. از شرقی‌ترین منطقه در گرگان تا نوشهر و چالوس تفاهم متقابل بالایی بین گویشوران وجود دارد و افراد با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند (محمودی بختیاری، ۱۳۸۳: ۱۱۲).

تاکنون هیچ پژوهشی برای تعیین میزان درخطر بودن این گونه زبانی و توضیح دلایل آن نشده‌است. پژوهش حاضر دو هدف عمده دارد: تعیین وضعیت حیات زبانی مازندرانی؛ معرفی و ارائه چارچوبی علمی که بتوان وضعیت حیاتی دیگر گونه‌های زبانی ایرانی را تعیین کرد و نتایج آن را در اختیار سیاست‌گذاران زبانی قرار داد.

## ۲- پیشینه پژوهش

شهیدی (۲۰۰۸) درمورد تغییرگونه زبانی مازندرانی و بررسی آن از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان پژوهش کرده‌است. در این پژوهش حیات زبانی برآورد نشده، اما جنبه‌های تغییر زبان و مقوله‌های تأثیرگذار بر آن و نیز حوزه‌ها و مقوله‌های تغییر یافته واکاوی و توصیف شده‌است.

پژوهش گائو (۲۰۱۵) درمورد برآورد حیات زبانی میکی<sup>۱</sup>، از زبان‌های در معرض خطر چین در ۱۱ روستا درجات مختلفی از در معرض خطر بودن را نشان داده‌است. در این پژوهش، ازدواج میان‌قومی و دسترسی به جاده اصلی شاخص‌های اصلی تحول زبان شناخته شده‌است. از این ۱۱ روستا، سطح در خطر بودن زبان برای شش روستا «تحت تهدید»<sup>۲</sup>، برای سه روستا «در معرض خطر»<sup>۳</sup>، برای یکی «به‌صورت بحرانی در معرض خطر»<sup>۴</sup> و برای یک روستا نیز «منقرض»<sup>۵</sup> برآورد شده‌است. میانگین امتیازهای ۱۰ روستا، امتیاز کلی ۴۲٪ است که براساس شاخص زبان‌های در معرض خطر<sup>۶</sup>، در دسته «در معرض خطر» قرار می‌گیرد.

یینگ، هنگ و عبدالله<sup>۷</sup> (۲۰۱۵) به مطالعه حیات زبانی زبان‌های مالزی و ارتباط آن با هویت اجتماعی پرداخته‌اند. هدف مطالعه مالایی، زبان ملی مالزی، انگلیسی و زبان‌های قومی چینی و تامیل و به دست آوردن اطلاعاتی مقایسه‌ای درباره ارتباط آن با هویت ملی و قومی

1. Miqie
2. Threatened
3. Endangered
4. Critically endangered
5. Extinct
6. Language Endangerment Index
7. Ying, Heng and Abdullah

است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مالایی و انگلیسی حیات بالایی ندارند، اما زبان‌های قومی چینی و تاملیل حیات بالای زبانی دارند. پس زبان‌های قومی غالباً هویت قومی را شکل می‌دهند و در مقایسه با مالایی که جایگاهی قوی ندارد، نقش مهمی در سال‌های اول زندگی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. از این رو، ظاهراً مفهوم هویت ملی جایگاهی ثانویه دارد و هنوز فاصله زیادی هست تا القائات ملی در این جنبه از ملت‌سازی را دانش‌آموزان درک کنند. در محیط‌های چندزبانه تثبیت هویت ملی ظاهراً مسئله پیچیده‌ای است و انتخاب و استفاده از زبان ممکن است اثرات بلندمدتی بر شکل‌گیری هویت ملی در مالزی داشته باشد. این نتایج می‌تواند نشان‌دهنده نقش زبان قومی در شکل‌گیری هویت اجتماعی در کودکان باشد.

پژوهش محمد و هاشم<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) در مورد حیات زبانی جامعه سیهان<sup>۲</sup> در ساراواک مالزی با استفاده از بررسی میدانی، مشاهده و مصاحبه است. خروجی بررسی میدانی با استفاده از نه معیار حیات زبانی یونسکو (۲۰۰۳) تحلیل شده است. نه حوزه در این بررسی مدنظر قرار گرفتند: خانواده، محیط اطراف، مذهب، رسوم، کشاورزی، طب سنتی، محل کار، آموزش و پرورش و تجارت یا بازار. با اینکه زبان سیهان در همه حوزه‌های اجتماعی به کار می‌رود، این حوزه‌ها، حوزه‌هایی نامربوط یا بی‌اهمیت هستند (کریستال، ۲۰۰۰). هنگامی که بار عملکردی در بسیاری از حوزه‌ها، به‌ویژه حوزه عمومی در حال کاهش باشد، حیات زبانی به طور فزاینده‌ای تحت تهدید قرار می‌گیرد و این دقیقاً چیزی است که برای زبان سیهان رخ داده است.

بلو<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) از چارچوب یونسکو (۲۰۰۳) برای برآورد حیات زبانی و در معرض خطر بودن زبان لارته<sup>۴</sup> استفاده کرده است. براساس این چارچوب، لارته به علت عوامل مشخصی در معرض خطر است. استفاده از زبان آکان در حوزه‌هایی مثل تجارت، آموزش و پرورش و رسانه جمعی تسریع‌کننده‌های این خطر برای لارته‌اند. برخی گویشوران لارته باور دارند که کودکانشان برای دستیابی به درجات عالی علمی باید به انگلیسی تسلط داشته باشند. آنان درست فکر می‌کنند اما تسلط به زبان لارته مانع دستاوردهای بالاتر علمی و آموزشی نمی‌شود. با این تفکر، بسیاری از والدین از نوزادی با کودکانشان انگلیسی صحبت می‌کنند. احتمالاً این تصور در میان بسیاری از خانواده‌های مازندرانی نیز وجود دارد که باعث می‌شود با کودکان خود تنها به زبان فارسی صحبت کنند.

1. Muhammed and Hashim
2. Sihan
3. Bello
4. Larteh

مطالعات دیگر در زمینه حیات و بقای زبانی عبارت‌اند از: اندربک<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) در مورد وضعیت حیات زبان‌های در معرض خطر در اندونزی، گریرا<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) درباره حیات زبانی اسپانیایی در ایالات متحده، اماره<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) درباره حیات زبان عربی از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان در اسرائیل، یاگمور و کرون<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) در حیات قومی-زبانی و احیای زبان‌های در معرض خطر در جمهوری باشکورتستان روسیه، آیساکز<sup>۵</sup> (۱۹۹۹) در مورد حیات زبانی یدیش در محیط‌های فراملی و جوامع چندزبانه، راویندرانات<sup>۶</sup> (۲۰۰۹) در مورد تغییر زبان گاریفونا<sup>۷</sup> در بلیز، ریسینگر<sup>۸</sup> (۲۰۰۵) در مورد تغییر زبان جامعه بنگلادشی در شرق لندن، و فیومن<sup>۹</sup> (۲۰۰۹) در مقایسه حیات زبانی و احیای زبان‌های آذربایجانی و قزاقی.

### ۳- چارچوب نظری پژوهش

این پژوهش براساس چارچوب حیات زبانی و در معرض خطر بودن زبان‌های یونسکو (۲۰۰۳) انجام می‌گیرد که گروهی از متخصصان ویژه زبان‌های در معرض خطر پیشنهاد کرده‌اند. در اساسنامه یونسکو حفظ و تداوم تنوع زبانی به‌عنوان اصلی مطرح شده‌است. یونسکو براساس این اصل برنامه‌هایی را با هدف ترویج زبان‌ها به‌عنوان ابزار آموزشی و فرهنگی و نیز ابزاری مهم برای ایفای نقش در زندگی در سطح ملی تکوین کرده‌است.

گروه تخصصی یونسکو (۲۰۰۳) در زمینه زبان‌های در معرض خطر، نه عامل را برای بررسی حیات زبانی معرفی کرده‌است، شش عامل برای ارزیابی حیات زبانی و وضعیت در خطر بودن زبان‌ها، دو عامل برای برآورد نگرش‌های زبانی و یک عامل برای ارزیابی ضرورت مستندسازی. این نه عامل که روی هم در مشخص کردن وضعیت جامعه‌شناختی کلی زبان‌ها بسیار سودمندند عبارت‌اند از: (۱) انتقال بین‌نسلی زبان، (۲) تعداد قطعی گویشوران، (۳) نسبت گویشوران به کل جمعیت، (۴) حوزه‌های کاربرد زبان، (۵) پاسخگویی به حوزه‌ها و رسانه‌های جدید، (۶) کاربرد در آموزش زبان و سوادآموزی، (۷) نگرش‌ها و سیاست‌های زبانی دولت و مراجع رسمی، (۸) نگرش اعضای جامعه به زبانشان، (۹) کمیت و کیفیت مستندسازی.

1. Anderbeck
2. Carriera
3. Amara
4. Yagmur and Kroon
5. Isaacs
6. Ravindranath
7. Garifuna
8. Racinger
9. Fierman

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

هیچ‌یک از این عوامل را نمی‌توان به‌تنهایی به کار برد، زیرا زبانی که براساس یکی از عوامل در جایگاه بالایی باشد، ممکن است براساس عوامل دیگر نیاز به توجه و اقدام فوری داشته باشد. برای هر یک از این عوامل، به‌جز تعداد قطعی گویشوران، ۶ درجه در نظر گرفته شده‌است که هر یک حدی از حیات زبانی و در معرض خطر بودن را نشان می‌دهد:

### عامل ۱: انتقال بین‌نسلی زبان

جدول ۱- عامل ۱: انتقال بین‌نسلی زبان (یونسکو، ۲۰۰۳: ۸)

وضعیت زبان در جامعه گویشور	رتبه	درجه در خطر بودن
همه گروه‌های سنی از کودک تا کهنسال زبان را به کار می‌برند.	۵	امن
زبان را بعضی از کودکان در همه حوزه‌ها به کار می‌برند. / زبان را همه کودکان در بعضی از حوزه‌ها به کار می‌برند.	۴	نا امن
زبان را اکثراً نسل والدین و نسل پیش از آن به کار می‌برند.	۳	قطعا در معرض خطر
زبان را اکثراً پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و نسل پیش از آن به کار می‌برند.	۲	شدیدا در معرض خطر
زبان را اکثراً گویشوران بسیار اندکی از والدین پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها به کار می‌برند.	۱	بحرانی در معرض خطر
هیچ گویشوری برای زبان وجود ندارد.	۰	منقرض

### عامل ۲: شمار قطعی گویشوران

غیرممکن است بتوانیم برداشت معتبری از تعداد قطعی گویشوران داشته باشیم، اما جوامع گویشور کوچک همیشه در خطرند. یک جمعیت کوچک در مقابل جنگ یا حوادث طبیعی از یک جامعه بزرگ‌تر بسیار آسیب‌پذیرتر است. همین‌طور ممکن است یک گروه زبانی کوچک با گروهی در همسایگی خود یکی شود و زبان و فرهنگ خود را از دست بدهد.

### عامل ۳: نسبت گویشوران به کل جمعیت

جدول ۲- عامل ۳: نسبت گویشوران به کل جمعیت (یونسکو، ۲۰۰۳: ۹)

نسبت گویشوران به کل جمعیت جامعه مرجع	رتبه	درجه در معرض خطر بودن
همه به زبان مزبور صحبت می‌کنند.	۵	امن
تقریباً همه به زبان مزبور صحبت می‌کنند.	۴	نا امن
اکثریت به زبان مزبور صحبت می‌کنند.	۳	قطعا در معرض خطر
اقلیت به زبان مزبور صحبت می‌کنند.	۲	شدیدا در معرض خطر
تعداد اندکی به زبان مزبور صحبت می‌کنند.	۱	به‌صورت بحرانی در معرض خطر
هیچ‌کسی به زبان مزبور صحبت نمی‌کند.	۰	منقرض

### عامل ۴: حوزه‌های کاربرد زبان

جدول ۳- عامل ۴: حوزه‌های کاربرد زبان (یونسکو، ۲۰۰۳: ۱۰)

درجه در معرض خطر بودن	رتبه	حوزه‌های کاربرد و عملکردهای زبان
استفاده تمام‌عیار	۵	زبان در همه حوزه‌ها و برای همه عملکردها استفاده می‌شود.
وجود چندزبانگی	۴	دو یا چند زبان ممکن است در اکثر حوزه‌های اجتماعی و برای اکثر عملکردها به کار رود.
کاهش تدریجی حوزه‌ها	۳	زبان در حوزه‌های خانگی با عملکردهای بسیاری به کار می‌رود اما زبان غالب رفته‌رفته به حوزه‌های خانگی نفوذ می‌کند.
حوزه‌های محدود یا رسمی	۲	زبان در حوزه‌های محدودی برای تعدادی از عملکردها به کار می‌رود.
حوزه بسیار محدود	۱	زبان تنها در حیطه‌های بسیار محدودی برای عملکردهای بسیار اندکی به کار می‌رود.
منقرض	۰	زبان در هیچ حیطه‌ای و برای هیچ عملکردی به کار نمی‌رود.

### عامل ۵: پاسخگویی به حوزه‌ها و رسانه‌های جدید

جدول ۴- عامل ۵: پاسخگویی به حوزه‌ها و رسانه‌های جدید (یونسکو، ۲۰۰۳: ۱۱)

درجه در معرض خطر بودن	رتبه	وضعیت کاربرد زبان در حوزه‌های جدید و رسانه‌های پذیرفته‌شده
پویا <sup>۱</sup>	۵	زبان در همه حوزه‌های جدید به کار می‌رود.
قوی / فعال <sup>۲</sup>	۴	زبان در اکثر حوزه‌های جدید به کار می‌رود.
دریافت‌کننده <sup>۳</sup>	۳	زبان در بسیاری از حوزه‌های جدید به کار می‌رود.
سازشکار <sup>۴</sup>	۲	زبان در بعضی از حوزه‌های جدید به کار می‌رود.
کمینه <sup>۵</sup>	۱	زبان تنها در اندکی از حوزه‌های جدید به کار می‌رود.
غیر فعال <sup>۶</sup>	۰	زبان در هیچ‌یک از حوزه‌های جدید به کار نمی‌رود.

### عامل ۶: کاربرد در آموزش زبان و سوادآموزی

جدول ۵- عامل ۶: کاربرد در آموزش زبان و سوادآموزی (یونسکو، ۲۰۰۳: ۱۲)

رتبه	دسترسی به مواد مکتوب به زبان مزبور
۵	نظام نوشتاری تثبیت‌شده، سنت سوادآموزی همراه با دستور زبان، لغت‌نامه‌ها، متون، ادبیات و رسانه‌های روزانه برای زبان وجود دارد. نوشتن به زبان در سیستم اداری و آموزش و پرورش
۴	مواد نوشتاری موجود است و کودکان در مدرسه به زبان مزبور آموزش می‌بینند، نوشتن به زبان در سیستم اداری و مدیریتی به کار نمی‌رود.
۳	مواد نوشتاری موجود است و کودکان در مدرسه ممکن است در معرض صورت نوشتاری قرار گیرند. سوادآموزی به زبان از طریق رسانه‌هایی که منتشر و پخش می‌شوند ترویج نمی‌شود.

1. Dynamic
2. Robust/Active
3. Receptive
4. Coping
5. Minimal
6. Inactive



مواد نوشتاری موجود است، اما ممکن است تنها برای بعضی از اعضای جامعه مفید باشد، و برای دیگران ممکن است اهمیت نمادین داشته باشد. آموزش به زبان بخشی از برنامه درسی مدارس نیست.	۲
یک نظام نوشتاری کاربردی در جامعه شناخته شده است و بعضی از مواد به آن نوشته می‌شوند.	۱
هیچ گونه نظام نوشتاری برای جامعه قابل دستیابی نیست.	۰

### عامل ۷: نگرش‌ها و سیاست‌های زبانی دولت و مراجع رسمی، شامل وضعیت رسمیت زبان و استفاده از آن

جدول ۶- عامل ۷: نگرش‌ها و سیاست‌های زبانی دولت و مراجع رسمی، شامل وضعیت رسمیت زبان و استفاده از آن (یونسکو، ۲۰۰۳: ۱۴)

درجه حمایت	رتبه	نگرش‌های رسمی به زبان
حمایت برابر	۵	از همه زبان‌ها محافظت می‌شود.
حمایت متفاوت	۴	زبان‌های اقلیت ترجیحا به‌عنوان زبان حیطه‌های خصوصی حمایت می‌شوند. استفاده از زبان دارای پرستیژ است.
همسان‌شدگی منفعل	۳	هیچ سیاست صریحی در مورد زبان‌های اقلیت موجود نیست، زبان غالب در حوزه عمومی تسلط دارد.
همسان‌شدگی فعال	۲	دولت تشویق به همسان‌شدن با زبان غالب می‌کند. از زبان‌های اقلیت هیچ‌گونه محافظتی نمی‌شود.
همسان‌شدگی اجباری	۱	زبان غالب زبان رسمی انحصاری است، درحالی‌که زبان‌های غیر غالب نه به رسمیت شناخته شده و نه محافظت می‌شوند.
ممنوعیت	۰	استفاده از زبان‌های اقلیت ممنوع است.

### عامل ۸: نگرش اعضای جامعه به زبانشان

جدول ۷- عامل ۸: نگرش اعضای جامعه به زبانشان (یونسکو، ۲۰۰۳: ۱۵)

رتبه	نگرش اعضای جامعه نسبت به زبان
۵	همه اعضا به زبانشان ارزش می‌نهند و تمایل دارند که ترویج شود.
۴	بیشتر اعضا از حفظ زبان حمایت می‌کنند.
۳	بسیاری از اعضا از حفظ زبان حمایت می‌کنند، دیگران بی‌تفاوت هستند یا حتی ممکن است از نابودی زبان حمایت کنند.
۲	بعضی از اعضا از حفظ زبان حمایت می‌کنند، دیگران بی‌تفاوت هستند یا حتی ممکن است از نابودی زبان حمایت کنند.
۱	تنها اندکی از اعضا از حفظ زبان حمایت می‌کنند، دیگران بی‌تفاوت هستند یا حتی ممکن است از نابودی زبان حمایت کنند.
۰	نابودی زبان برای هیچ‌کسی اهمیت ندارد، همه ترجیح می‌دهند که از زبان غالب استفاده کنند.

## عامل ۹: کمیت و کیفیت مستندسازی زبان

جدول ۸- عامل ۹: کمیت و کیفیت مستندسازی (یونسکو، ۲۰۰۳: ۱۶)

ماهیت مستندسازی	رتبه	وضعیت مستندسازی زبان
عالی <sup>۱</sup>	۵	دستور جامع زبان و لغت‌نامه‌ها، متون بسیار و جریان ثابت مواد زبانی وجود دارد. ثبت‌های صوتی و تصویری یادداشت‌نویسی شده با کیفیت بالا وجود دارد.
خوب <sup>۲</sup>	۴	یک دستور زبان خوب و تعدادی دستور زبان مناسب، لغت‌نامه‌ها، متون، ادبیات و گاهی رسانه‌های روزانه و ثبت‌های صوتی و تصویری یادداشت‌نویسی شده با کیفیت بالا وجود دارند.
نسبتاً خوب <sup>۳</sup>	۳	ممکن است یک دستور زبان مناسب و دستورهای دیگری به‌قدر مکفی، لغت‌نامه‌ها و متون وجود داشته باشد، اما هیچ رسانه روزانه‌ای وجود ندارد، ممکن است ثبت‌های صوتی و تصویری با کیفیت‌های متفاوت و درجات مختلف یادداشت‌نویسی وجود داشته باشد.
پراکنده <sup>۴</sup>	۲	تعدادی طرح‌های دستوری، فهرست واژگان و متون مفید برای مطالعات زبان‌شناختی وجود دارد اما پوشش مناسبی ندارد. ممکن است ثبت‌های صوتی و تصویری با کیفیت‌های متفاوت، همرا با یادداشت‌نویسی یا بدون یادداشت‌نویسی موجود باشند.
ناکافی <sup>۵</sup>	۱	تنها اندکی طرح‌های دستوری یا فهرست کوتاه واژگان و متون پراکنده موجود است. ثبت صوتی و تصویری وجود ندارد، کیفیت آن غیرقابل استفاده است یا کلاً یادداشت‌نویسی نشده‌است.
بی‌مستندسازی <sup>۶</sup>	۰	هیچ‌گونه مواد زبانی موجود نیست.

### ۴- روش تحقیق

طبق سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت استان مازندران ۳،۲۸۳،۵۸۲ نفر است. اگر ساکنان دو شهرستان غربی مازندران، یعنی رامسر و تنکابن را که مجموعاً ۲۴۰،۳۱۱ نفر جمعیت دارند (درگاه ملی آمار)، جزو گویشوران گیلکی به حساب بیاوریم و جمعیت مهاجر و ساکنان غیربومی استان را نیز در نظر بگیریم، با توجه به اینکه این زبان در شهرهای غربی استان گلستان و شهرستان‌های فیروزکوه و دماوند استان تهران و شهر شه‌میرزاد استان سمنان نیز گویشور دارد، می‌توان گفت تعداد گویشوران این گونه زبانی بیش از ۳ میلیون نفر است که بین گرگان از شرق و تنکابن از غرب پراکنده‌اند. با توجه به اینکه بیشترین گویشوران این گونه زبانی در استان مازندران زندگی می‌کنند و امکان ایجاد ابهام در استفاده از عنوان مازندرانی در استان‌های همجوار مازندران، داده‌های مورد نیاز تنها در محدوده استان مازندران گردآوری شده‌است.

1. Superlative
2. Good
3. Fair
4. Fragmentary
5. Inadequate
6. Undocumented

برای گردآوری داده‌ها، براساس عوامل سه‌گانه یونسکو یک پرسش‌نامه، بسته‌پاسخ ۲۲ پرسشی تدوین شد. اعتبار و روایی این پرسش‌نامه به تأیید چند زبان‌شناس و متخصص جامعه‌شناسی زبان رسید. وضعیت ۶ عامل از عوامل سه‌گانه یونسکو از طریق داده‌هایی که از پرسشنامه حاصل شد، برآورد گردید و ۳ عامل دیگر، یعنی شمار قطعی گویشوران، کاربرد در آموزش زبان و سوادآموزی و کمیت و کیفیت مستندسازی زبان براساس اطلاعات و گزارش‌های آماری، مدارک موجود در کتابخانه‌ها، وبسایت‌ها، مراجعه به مدارس، ادارات آموزش و پرورش و نیز مؤسسات آموزش زبان و آموزشگاه‌ها مشخص شد. برای جمع‌آوری داده‌ها به‌صورت یکنواخت و هرچه نزدیک‌تر شدن نتیجه برآورد به وضعیت واقعی زبان مازندرانی از نظر حیات و در معرض خطر بودن، پژوهشگران استان را به سه منطقه جغرافیایی تقسیم کردند تا در آنها پرسش‌نامه‌ها به تعداد برابر توزیع گردد: منطقه شرقی از مرز استان گلستان تا پایان محدوده غربی شهرستان میاندورود، منطقه مرکزی از ابتدای محدوده شرقی شهرستان ساری تا پایان محدوده غربی شهرستان‌های آمل و محمودآباد و منطقه غربی از آغاز محدوده شرقی شهرستان نور تا غربی‌ترین نقاطی که گویشور مازندرانی دارد. علت این تقسیم‌بندی، پیوستگی جغرافیایی درون هر یک از این مناطق سه‌گانه؛ شباهت‌ها و نزدیکی لهجه‌ای و گویشی؛ و نزدیکی از لحاظ فرهنگی و وضعیت اقتصادی و معیشت ساکنان این مناطق بود.

در مناطق شهری در آموزشگاه‌ها، اماکن عمومی مثل ادارات، رستوران‌های سنتی و کافه‌ها، مساجد و نماز جمعه تعدادی پرسش‌نامه‌ها توزیع و جمع‌آوری شد. تعدادی پرسش‌نامه‌ها در دانشگاه‌های استان توزیع شد. بخش عمده پرسش‌نامه‌ها با مکاتبه با اداره کل آموزش و پرورش استان مازندران و هماهنگی این اداره محترم با ادارات شهرستان‌ها در مدارس متوسطه مناطق توزیع شد. در اکثر موارد پژوهشگران با حضور در کلاس ابتدا توضیح مختصری درمورد موضوع پژوهش و پرسش‌نامه دادند و سپس از دانش‌آموزان خواستند تا با دانش شخصی و شناختی از محیط زندگی و جامعه محلی خود به پرسش‌ها پاسخ دهند. در برخی موارد نیز از معلمان خواسته شد این کار را انجام دهند. در کنار این پرسش‌نامه کاغذی، فرمی به‌صورت لینک تهیه شد. این پرسش‌نامه در گروه‌های مجازی مازندرانی، مثلاً گروه سوادکوهی‌ها، بابلی‌ها و امثال آن ارائه شد و از دوستان و آشنایان و اعضای خانواده نیز درخواست شد که لینک را در گروه‌هایی که عضو هستند، قرار دهند تا اعضا پاسخ دهند. از پرسش‌نامه مجازی استقبال خوبی شد.

جمعیت نمونه تحقیق براساس فرمول کوکران برای هر یک از این مناطق سه‌گانه ۶۶۵ نفر تعیین شد که مجموعاً برابر ۱۹۹۵ نفر است. با در نظر گرفتن بازنگشتن تمامی پرسش‌نامه‌ها در هر یک از سه منطقه استان مازندران ۸۰۰ پرسش‌نامه توزیع شد. مجموعاً ۱۶۰۱ پرسش‌نامه

پاسخ‌داده‌شده بازگشت. شرکت‌کنندگان، براساس سه عامل سن، جنسیت و تحصیلات به چند گروه تقسیم شدند (نک. جدول ۹).

جدول ۹- جامعه آماری پژوهش به تفکیک سن، جنسیت و تحصیلات

جمع	لیسانس و بالاتر	بالاتر از دیپلم تا لیسانس	تا دیپلم	تحصیلات	
				سن	جنسیت
۲۸۹	-----	۲	۲۸۷	مرد	تا ۲۰ سال
۲۹۶	-----	۲۰	۲۷۶	زن	
۳۰۳	۱۶۶	۱۲۶	۱۱	مرد	از ۲۱ تا ۴۰ سال
۲۲۸	۱۴۴	۷۶	۸	زن	
۲۴۳	۱۳۱	۱۰۱	۱۱	مرد	از ۴۱ سال به بالا
۲۴۲	۱۳۰	۱۰۵	۷	زن	
۱۶۰۱	۵۷۱	۴۳۰	۶۰۰	جمع	

برای تحلیل داده‌ها، ابتدا برای هر یک از عوامل یونسکو جدول‌هایی با قابلیت تفکیک براساس متغیرها تهیه شد که در آنها نتایج پاسخ‌های شرکت‌کنندگان وارد شد و درصد پاسخ‌ها به ۵ گزینه مشخص گردید. پس از وارد کردن نتیجه پرسش‌نامه‌ها در جدول‌های مربوط، درصدهای به دست آمده تحلیل و امتیاز عوامل یونسکو مشخص شد.

#### ۵- تحلیل داده‌ها

داده‌های پرسش‌نامه‌ها در جدول‌هایی براساس متغیرهای سن و جنسیت خلاصه شد. برای هر یک از عوامل قابل برآورد از طریق پرسش‌نامه‌ها، جدول‌ها به این دسته‌ها تقسیم شدند: مؤنث تا ۲۰ سال، مؤنث ۲۱ تا ۴۰ سال، مؤنث ۴۱ سال و بالاتر، مذکر تا ۲۰ سال، مذکر ۲۱ تا ۴۰ سال و مذکر ۴۱ سال و بالاتر. نتایج برآورد هر یک از عوامل میانگین امتیازاتی است که از تحلیل پاسخ‌های این ۶ گروه برای آن عامل به دست آمده‌است. برای عوامل شمار مطلق گویشوران، کاربرد در آموزش زبان و سوادآموزی و کمیت و کیفیت مستندسازی از اطلاعات موجود در اسناد، مدارک، کتب و مقالات معتبر منتشرشده، درگاه ملی آمار ایران و جست‌وجوهای پژوهشگران استفاده شده‌است.

#### ۵-۱- عواملی که از بررسی پاسخ‌های داده‌شده به پرسش‌نامه برآورد می‌گردند:

**عامل اول: انتقال بین‌نسلی زبان.** براساس تحلیل پاسخ‌های گروه اول یعنی پاسخ‌دهندگان مؤنث تا ۲۰ سال، به این عامل امتیاز ۳ که معادل وضعیت قطعا در معرض خطر است تعلق

گرفته‌است. از تحلیل پاسخ‌های گروه دوم، پاسخ‌دهندگان مؤنث که از ۲۱ تا ۴۰ سال دارند امتیاز ۲ که معادل وضعیت شدیداً در معرض خطر است به عامل انتقال بین‌نسلی زبان داده شده‌است. تحلیل پاسخ‌های گروه سوم، مؤنث ۴۱ سال و بالاتر نشان‌دهنده امتیاز ۳ یعنی وضعیت قطعاً در معرض خطر است. بررسی پاسخ‌های گروه ۴، مذکر تا ۲۰ سال نیز نشان‌دهنده امتیاز ۳ و وضعیت قطعاً در معرض خطر است. گروه ۵ از پاسخ‌دهندگان یعنی مذکر ۲۱ تا ۴۰ سال نیز پاسخ‌هایشان گویای وضعیت ۳ است که قطعاً در معرض خطر است و در نهایت پاسخ‌های گروه ۶ از پاسخ‌دهندگان که مذکر ۴۱ سال و بالاتر هستند نیز همان وضعیت شماره ۳ که قطعاً در معرض خطر است را نشان می‌دهد.

**عامل سوم: نسبت گویشوران به کل جمعیت.** نتیجه بررسی پاسخ‌های هر ۶ گروه به این پرسش‌ها اختصاص امتیاز ۳ به این عامل بوده‌است، یعنی زبان مازندرانی با توجه به نسبت گویشوران به کل جمعیت منطقه در وضعیت قطعاً در معرض خطر قرار دارد.

**عامل چهارم: حوزه‌های کاربرد زبان.** براساس تحلیل پاسخ‌های داده شده به این پرسش‌ها، حاصل انتخاب گروه‌های مؤنث تا ۲۰ سال، مؤنث ۲۱ تا ۴۰ سال، مؤنث ۴۱ سال و بالاتر و مذکر ۲۱ تا ۴۰ سال امتیاز ۳، یعنی کاهش تدریجی حوزه‌ها بوده‌است و حاصل انتخاب دو گروه دیگر امتیاز ۴، یعنی وجود دوزبان‌گونه‌گی بوده‌است.

**عامل پنجم: پاسخ‌گویی به حوزه‌ها و رسانه‌های جدید.** همه گروه‌های پاسخ‌دهنده متفقا امتیاز صفر را به این عامل داده‌اند، یعنی طبق نظر پاسخ‌دهندگان زبان مازندرانی در حوزه‌ها و رسانه‌های جدید کاملاً غیرفعال است.

**عامل هفتم: نگرش‌ها و سیاست‌های زبانی دولت و مراجع رسمی، شامل وضعیت رسمیت زبان و استفاده از آن.** در این مورد نیز نتیجه تحلیل پاسخ‌های همه گروه‌های پاسخ‌دهنده یکسان بوده و امتیاز ۳ به این عامل تعلق گرفته‌است که نشان‌دهنده وضعیت همسان‌شدگی منفعل است.

**عامل ۸: نگرش اعضای جامعه به زبان‌شان.** نتیجه بررسی پاسخ‌های این پرسش‌ها در گروه‌های مؤنث تا ۲۰ سال، مؤنث ۲۱ تا ۴۰ سال و مذکر ۲۱ تا ۴۰ سال، امتیاز ۳ است؛ وضعیتی که در آن بسیاری از اعضا از حفظ زبان حمایت می‌کنند، دیگران بی‌تفاوت هستند یا حتی ممکن است از نابودی زبان حمایت کنند. نتیجه بررسی پاسخ‌های گروه‌های مؤنث ۴۱ سال و بالاتر، مذکر تا ۲۰ سال و مذکر ۴۱ سال و بالاتر، امتیاز ۴ است که گویای حمایت

بیشتر اعضای جامعهٔ زبانی از حفظ زبان است. جدول پایین خلاصهٔ نتیجهٔ تحلیل شش عامل ارزیابی حیات زبانی مازندرانی را نشان می‌دهد:

جدول ۱۰- خلاصهٔ نتایج شش عامل اول

امتیاز تعلق‌گرفته به عوامل براساس تحلیل پاسخ‌های هر گروه پاسخ‌دهنده						عامل مؤثر بر حیات زبانی
مؤنث			مذکر			
تا ۲۰ سال	۲۱ تا ۴۰ سال	۴۱ سال به بالا	تا ۲۰ سال	۲۱ تا ۴۰ سال	۴۱ سال به بالا	
۳	۲	۳	۳	۳	۳	عامل اول: انتقال بین‌نسلی زبان
۳	۳	۳	۳	۳	۳	عامل سوم: نسبت گویشوران به کل جمعیت
۳	۳	۳	۴	۳	۳	عامل چهارم: حوزه‌های کاربرد زبان
۰	۰	۰	۰	۰	۰	عامل پنجم: پاسخگویی به حوزه‌ها و رسانه‌های جدید
۳	۳	۳	۳	۳	۳	عامل هفتم: نگرش‌ها و سیاست‌های زبانی دولت و مراجع رسمی، شامل وضعیت رسمیت زبان و استفاده از آن
۳	۳	۴	۴	۳	۴	عامل هشتم: نگرش اعضای جامعه به زبانشان

### ۵-۲- بررسی عواملی که وضعیت آنها از پرسش‌نامه حاصل نمی‌شود:

**عامل دوم: شمار مطلق گویشوران.** واضح است که زبانی با تعداد گویشور کم به‌صورت بحرانی در معرض خطر قرار دارد. همین‌طور جمعیت اندک بسیار بیشتر در معرض خطر کاهش تعداد گویشوران بر اثر بیماری، جنگ یا بلایای طبیعی یا ادغام شدن در گروهی بزرگ‌تر قرار دارد. با این اوصاف، شمار مطلق گویشوران می‌تواند گمراه‌کننده باشد: اولاً، در بسیاری از منابع جمعیت افراد با شمار گویشوران اشتباه گرفته می‌شود، که معمولاً نتیجهٔ آن تخمین تعداد بیشتر گویشوران است. ثانیاً، ممکن است یک گروه زبانی حتی یک میلیون گویشور داشته باشد، اما اگر عوامل دیگر (مثل انتقال بین‌نسلی و یا سوادآموزی/آموزش/رسانه) وجود نداشته باشد، باز آن زبان در معرض خطر قرار دارد. بنابراین شمار مطلق گویشوران زمانی معنای واقعی پیدا خواهد کرد که عوامل ۱ (انتقال بین‌نسلی زبان) و ۳ (نسبت گویشوران به کل جمعیت) در برآورد آن لحاظ گردد (دوایر، ۲۰۱۱: ۴).

در جایی که اطلاعات بیشتری در دسترس باشد، در نظر گرفتن تنها شمار مطلق گویشوران برای برآورد حیات زبانی کافی نیست، بلکه باید روندهای کاهشی یا افزایشی تعداد گویشوران را نیز مدنظر قرار داد (لی، ون وی، ۲۰۱۶: ۲۸۲). در معیار تعداد گویشوران، تعداد

1. Dwyer

2. Lee and Van Way

گویشوران زبانی که «به‌صورت بحرانی در معرض خطر» است در حال کاهش است. از سوی دیگر، زبان «امن» در این معیار، زبانی است که تقریباً همه اعضای جامعه گویشور آن هستند، تعداد گویشوران این زبان ثابت است و اگر تحول زبانی نیز وجود داشته باشد، تعداد گویشوران در حال افزایش است، یعنی افرادی که زبان خود را رها کرده و این زبان را برمی‌گزینند تعدادشان بیشتر از افرادی است که این زبان را رها می‌کنند و زبان دیگری را برمی‌گزینند.

با نگاه به نتایج پاسخ‌ها به پرسش‌های مربوط به برآورد وضعیت عامل اول یونسکو مشاهده می‌شود که مازندرانی را اکثراً والدین و نسل پیش از آنها یعنی پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها به کار می‌برند، اما این بدان معنی نیست که فقط این افراد قادر به استفاده از این زبان هستند، بلکه تعداد بسیاری از کسانی که معمولاً از این زبان استفاده نمی‌کنند نیز توانایی استفاده از این زبان را دارند. با نگاه به نتایج به دست آمده از پاسخ به سؤالات ۷ و ۸ پرسش‌نامه که مربوط به برآورد وضعیت عامل ۳، یعنی نسبت گویشوران به کل جمعیت، مشاهده می‌شود که طبق نظر پاسخ‌دهندگان، اکثریت جمعیت مازندران می‌توانند به زبان مازندرانی صحبت کنند، اما از آنجاکه این زبان را بیشتر والدین و نسل پیش از آنها به کار می‌برند، نسل والدین آینده این زبان را به فرزندان خود انتقال نخواهند داد و با اینکه اکثر اعضای جامعه مازندرانی امروز گویشور زبان مازندرانی هستند به تدریج از گویشوران این زبان کاسته خواهد شد. براساس جدول ۱۱، این عامل در وضعیت درجه ۳ یا همان «قطعا در معرض خطر» قرار دارد.

جدول ۱۱- معیار روند شمار گویشوران، تطابق یافته با معیار یونسکو

امن ۵	نامن ۴	قطعا در معرض خطر ۳	شدیدا در معرض خطر ۲	بحرانی در معرض خطر ۱	نزدیک به انقراض ۰
تقریباً تمام اعضای جامعه به زبان مزبور صحبت می‌کنند و شمار گویشوران ثابت یا در حال افزایش است.	اکثر اعضای جامعه به زبان مزبور صحبت می‌کنند. شمار گویشوران ممکن است در حال کاهش باشد، اما بسیار آهسته.	اکثر اعضای جامعه به زبان مزبور صحبت می‌کنند. تعداد گویشوران به تدریج در حال کاهش است.	تنها حدود نیمی از جامعه به زبان مزبور صحبت می‌کنند. تعداد گویشوران با آهنگ ثابت و نه به‌صورت فزاینده در حال کاهش است.	کمتر از نیمی از جامعه به زبان مزبور صحبت می‌کنند و شمار گویشوران با آهنگ فزاینده در حال کاهش است.	درصد کمی از اعضای جامعه به زبان مزبور صحبت می‌کنند و شمار گویشوران با سرعت بسیاری در حال کاهش است.

**عامل ششم: کاربرد در آموزش زبان و سوادآموزی.** نوری (۱۳۸۰: ۳۰) معتقد است که زبان مازندرانی یا تبری تا حدود پانصد سال پس از ظهور اسلام همچنان به خط پهلوی نوشته می‌شده‌است و در محدوده تهرستان آن زمان به همین خط و زبان سکه نیز ضرب می‌شده‌است. زبان مازندرانی در گذشته دارای چنان ادبیات مکتوب غنی و گسترده‌ای بوده که می‌توان گفت پس از فارسی تنها زبان ایرانی است که دارای ادبیات نوشتاری تاریخی است (یزدان‌پناه لموکی، ۱۳۸۵: ۶۸). معروف‌ترین اثر ادبی تاریخی به این زبان مرزبان‌نامه است که اصل آن به زبان تبری بوده‌است ولی فقط ترجمه فارسی آن در دست است. دیگر اثر ادبی این زبان که بسیار معروف است اشعار امیر پازواری است و از آثار معاصر نیز مجموعه شعر تبری روجا از نیما یوشیج است (شجاعی کیاسری، ۱۳۹۴: ۱۱۶).

با وجود غنای فرهنگی و ادبی زبان مازندرانی، امروز هیچ نظام نوشتاری استاندارد برای نوشتن مازندرانی وجود ندارد. هیچ سنت سوادآموزی درباره این زبان موجود نیست و هرچند در بعضی مقالات به ویژگی‌های دستوری این زبان پرداخته‌اند اما هیچ دستور زبان جامع و مدونی نیز برای این زبان وجود ندارد. لغت‌نامه‌هایی به صورت آنلاین یا اپلیکیشن‌های موبایل وجود دارد ولی اغلب کامل نیستند. هرچند به این زبان شعر سروده می‌شود و در صداوسیما مازندران و گلستان برنامه‌هایی به این زبان تولید و پخش می‌شود، اما سوادآموزی به این زبان یا حتی آموزش رسمی این زبان ترویج نمی‌گردد. در سیستم اداری نیز نوشتن به این زبان به رایج نیست و جایز شمرده نمی‌شود. تنها استفاده شفاهی از این زبان تا حدودی در مراکز اداری و دولتی مرسوم است. در آموزش و پرورش این زبان آموزش داده نمی‌شود. این زبان در آموزشگاه‌ها و مؤسسات خصوصی زبان نیز تدریس نمی‌شود. وضعیت مازندرانی از لحاظ کاربرد در آموزش و سوادآموزی با درجه ۲، یعنی شدیداً در معرض خطر مطابقت دارد.

**عامل نهم: کمیت و کیفیت مستندسازی زبان.** یونسکو (۲۰۰۳: ۱۶) تصریح می‌کند که هر زبان باید دارای مواد بسیاری باشد که به خوبی مستندسازی، رونویسی، ترجمه و تحلیل شده باشد، مانند لغت‌نامه، دستور جامع، متون گسترده و ضبط‌های صوتی تصویری یادداشت-نویسی شده فراوان تا بتوان آن را چالاک<sup>۱</sup> به حساب آورد. دوایر (۲۰۱۱: ۷) معتقد است برای اینکه زبانی قوی باشد، باید هم مواد زبانی تاریخی و هم مواد زبانی معاصر بسیاری در آن زبان



موجود باشد. اشمیت<sup>۱</sup> (۱۹۹۰: ۱۰۸) مدعی است که برای قدرتمند بودن هر زبان، وجود دستور زبان، لغت‌نامه و متون الزامی است.

در جدول ۸ تصریح شده است برای اینکه زبانی در حوزه مستندات زبانی کیفیتی عالی داشته باشد باید دارای دستور زبان جامع، لغت‌نامه‌ها، متون فراوان قدیمی و جدید و ثبت‌های صوتی و تصویری یادداشت‌نویسی شده با کیفیت مناسب باشد. تقریباً تمامی اسناد و مدارک مکتوب در مازندران به فارسی هستند. روزنامه‌ها، مجلات، اعلامیه‌ها، کارت‌های تبریک و تسلیت، کتاب‌های داستان، رمان، تابلوهای فروشگاه‌ها و تابلوهای تبلیغاتی به زبان فارسی هستند و علائم راهنما در خیابان‌ها و جاده‌ها اکثراً دوزبانه فارسی و انگلیسی و در بعضی نقاط از جمله شهرها و اماکن مذهبی زبان عربی نیز به آنها افزوده شده است. در مدارس تنها در کتاب‌های آموزش قرآن و مسائل مربوط به معارف دینی و آموزش عربی، زبان عربی نیز به کار رفته است و کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی نیز به زبان انگلیسی است و بقیه مطالب در کتاب‌های درسی دیگر در مدارس به زبان فارسی است.

هیچ متن امروزی منسجمی که به زبان مازندرانی باشد، موجود نیست و اگر شخصی بخواهد مطلبی را به این زبان بنویسد، معمولاً با استفاده از الفبای فارسی و با نظر و سلیقه شخصی خود شیوه نوشتار را برمی‌گزیند، باین حال این زبان دارای ادبیات شفاهی پربراری است که شامل اشعار فولکلور بی‌شمار، قصه‌ها و کلام‌های منظومی است که در بازی‌ها کاربرد دارد. موسیقی محلی مازندران که از دیرباز غنی بوده است در سال‌های اخیر با گسترش امکانات صوتی و تصویری و گسترش فضای مجازی رشد چشمگیری داشته و با ورود جوانان و استفاده از موسیقی‌های عامه‌پسند و کلام مازندرانی در این عرصه رونق بیشتری پیدا کرده که این امر خود دست‌کم منجر به دوام و ادامه حیات زبان در حوزه موسیقی خواهد شد.

کاربرد نوشتار مازندرانی امروزه بیشتر در اشعار، اسامی شهر یا روستا و تابلوهای خوشامدگویی به شهر یا روستاست.

دو متن قدیمی مازندرانی مربوط به سال ۱۸۸۹ موجود است که در مورد دو شهر بارفروش، بابل کنونی، و آمل نوشته شده و ژاک دمورگان آن را بازنویسی و منتشر کرده است. این دو متن اساساً شبیه زبانی هستند که امروز مردم مازندران صحبت می‌کنند (برجیان، ۲۰۰۸: ۷). کتاب منظومی موجود است از امیر تیمور قاجار ساروی، مشهور به امیر مازندرانی به نام نصاب

1. Schmidt

طبری با بیش از ۸۵۰ واژه مازندرانی و معادل فارسی آنها در دوره محمدشاه قاجار به سال ۱۲۶۴ق به روش نصاب‌الصبيان. این منظومه را صادق کیا در ۱۳۲۷خ با عنوان «واژه‌نامه طبری» منتشر کرد. منظومه دیگر اشعار امیر پازواری است که با تلاش برنهارد دارن و همکاری میرزا محمد شفیع بارفروش با عنوان دیوان امیر پازواری یا کنزالاسرار در سال ۱۸۶۰ در سن پترزبورگ چاپ شده است. نیما یوشیج، پدر شعر نو فارسی نیز منظومه‌ای به زبان مازندرانی با عنوان «روجا» دارد. این دو منظومه بیشتر از دیگر آثار مکتوب به زبان مازندرانی در دسترس عموم مردم قرار دارد.

درباره ادبیات کهن نیز مطالبی به زبان طبری وجود دارد که مربوط به قرون اولیه اسلامی و پس از فروپاشی حکومت ساسانیان است؛ واژه‌ها یا ابیاتی پراکنده در کتب تاریخی همچون تاریخ طبرستان بهاء‌الدین محمد بن حسن بن اسفندیار، کتاب مرزبان‌نامه مرزبان بن رستم، تاریخ رویان مولانا اولیاءالله آملی، کتاب تاریخ طبرستان و رویان و مازندران نوشته سیدظهیرالدین مرعشی و ... .

در دوران میانه اسلامی نیز متونی هست: قرآن خاندان سورتیجی با ترجمه تبری قرن هفتم هجری؛ «تفسیر قرآن با ترجمه طبری جلد اول» از ادیبی ناشناس نگهداری شده در کتابخانه مجلس؛ قرآنی با ترجمه فارسی قدیم و طبری کهن در کتابخانه مجلس؛ برگردان تبری مقامات حریری و ... .

پژوهش‌هایی نیز در زبان مازندرانی شده است: واژه‌نامه طبری در ۱۳۲۷خ، به همت صادق کیا؛ مجموعه ۵ جلدی فرهنگ واژگان تبری به سرپرستی جهانگیر نصری اشرفی. یکی دو دستور زبان و لغت‌نامه نسبتاً مناسب برای زبان مازندرانی وجود دارد که می‌تواند برای آموزش و مطالعات زبان‌شناختی تقریباً مناسب باشد، هرچند خالی از اشکال نیستند و لغت‌نامه‌ای کامل و اصولی موجود نیست.

مازندرانی از لحاظ ثبت صوتی و تصویری به دلیل وجود شبکه استانی صداوسیما از کمیت و کیفیت خوبی برخوردار است اما از لحاظ دستور زبان، لغت‌نامه و متون، چند طرح دستوری به صورت مقاله برای این زبان نوشته شده است که عموم مردم نمی‌توانند از آن استفاده کنند. بنابراین زبان مازندرانی از نظر کمیت و کیفیت مستندسازی در وضعیت «پراکنده» قرار دارد.

## ۶- نتیجه‌گیری

جدول زیر میانگین امتیازهای هریک از عوامل گروه‌های مختلف پاسخ‌دهنده را نشان می‌دهد:

جدول ۱۲- نتیجه بررسی عوامل نه‌گانه یونسکو (۲۰۰۳)

امتیاز تعلق گرفته به عوامل براساس تحلیل پاسخ‌های هر گروه پاسخ‌دهنده							عوامل مؤثر بر حیات زبانی
میانگین	مذکر			مؤنث			
۲,۸۳	۳	۳	۳	۳	۲	۳	۱ انتقال بین‌نسلی زبان
۳,۰۰	حدود ۳ میلیون نفر، با در نظر گرفتن روند شمار گویشوران قطعاً در معرض خطر: ۳						۲ شمار قطعی گویشوران
۳,۰۰	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳ نسبت گویشوران به کل جمعیت
۳,۳۳	۴	۳	۴	۳	۳	۳	۴ حوزه‌های کاربرد زبان
۰,۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵ پاسخگویی به حوزه‌ها و رسانه‌های جدید
۲,۰۰	مواد نوشتاری موجود است اما برای بعضی از اعضای جامعه مفید است. برای دیگران ممکن است اهمیت نمادین داشته باشد. در مدارس به این زبان تدریس نمی‌شود: ۲						۶ کاربرد در آموزش زبان و سوادآموزی
۳,۰۰	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۷ نگرش‌ها و سیاست‌های دولت، شامل وضعیت رسمیت و کاربرد زبان
۳,۵۰	۴	۳	۴	۴	۳	۳	۸ نگرش اعضای جامعه به زبانشان
۴,۰۰	دستور زبان، لغت‌نامه، متون و ادبیات: ۳ ثابت صوتی و تصویری: ۵						۹ کمیت و کیفیت مستندسازی زبان
۲,۷۴	وضعیت کلی حیات زبانی و میزان در خطر بودن زبان مازندرانی						

براساس داده‌های جدول، به عامل انتقال بین‌نسلی امتیاز ۲,۸۳ تعلق گرفته‌است، یعنی وضعیت این عامل اندکی ناگوارتر از وضعیت «قطعاً در معرض خطر» برآورد شده‌است. به عامل شمار قطعی گویشوران همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، با وجود تعداد نسبتاً بالای گویشوران به علت روند کاهشی تعداد گویشوران امتیاز ۳ تعلق گرفته‌است که نشان‌دهنده خطر قطعی برای این زبان است. نسبت گویشوران مازندرانی که در ارتباط مستقیم با روند شمار گویشوران است امتیاز ۳ را دریافت کرد و گویای خطر قطعی است. به حوزه‌های کاربرد زبان امتیاز ۳,۳۳ تعلق گرفته‌است که نشان‌دهنده وجود «کاهش تدریجی حوزه‌ها» و «وجود چندزبانگی» در کنار هم است، البته روند این وضعیت بیشتر به سمت کاهش تدریجی

حوزه‌هاست. دربارهٔ پاسخگویی به حوزه‌ها و رسانه‌های جدید، این زبان کاملاً «غیرفعال» است و امتیاز صفر دارد. در زمینهٔ کاربرد در آموزش و پرورش و سوادآموزی، زبان مازندرانی امتیاز ۲ را کسب کرده، بدین معنی که با وجود موادی مکتوب، عملاً کاربرد چندانی ندارد و تنها می‌توان نگاه نمادینی به آنها داشت. افزون بر آن، این زبان هیچ کاربردی در سیستم آموزشی ندارد، اگر می‌داشت قطعاً مواد مکتوبی با کاربرد روزمره داشت. نگرش‌ها و سیاست‌های دولت و مراجع رسمی به زبان مازندرانی نیز امتیاز ۳ را دریافت کرده‌است که به معنی «همسان شدگی منفعل» در حوزهٔ جغرافیایی است که مازندرانی به کار می‌رود؛ یعنی با اینکه به صورت رسمی و علنی اجباری برای همسان‌شدگی و رها کردن این زبان نیست، شرایط به گونه‌ای است که عملاً جامعهٔ مازندرانی زبان به سمت همسان‌شدگی پیش می‌رود.

نگرش اعضای جامعهٔ مازندرانی به زبانشان امتیاز ۳،۵۰ را کسب کرده‌است. این امتیاز نشان‌دهندهٔ آن است که با آنکه بیشتر اعضا از حفظ زبانشان حمایت می‌کنند، اما بسیاری نیز بی‌تفاوت هستند و عده‌ای نیز ممکن است از نابودی زبان حمایت کنند. از آنجاکه کمیت و کیفیت مستندسازی زبان مازندرانی را می‌توان در دو مقولهٔ متمایز از هم بررسی کرد. این عامل به دو قسمت «ثبت صوتی و تصویری» و «دستور زبان، لغت‌نامه، متون و ادبیات» تفکیک شده‌است و هر کدام از این دو امتیاز خود را دریافت می‌کند. ثبت صوتی و تصویری در وضعیتی بسیار خوب قرار دارد و امتیاز ۵ را دریافت می‌کند، اما به دستور زبان، لغت‌نامه، متون و ادبیات که وضعیت چندان مناسبی ندارد امتیاز ۳ اختصاص داده شده‌است. میانگین این دو امتیاز که برابر ۴،۰۰ است به عامل کمیت و کیفیت مستندسازی داده شده‌است. در نهایت میانگین این ۹ امتیاز که برابر ۲،۷۴ است نشان‌دهندهٔ وضعیت حیات زبانی مازندرانی و میزان در معرض خطر بودن آن است. وضعیتی که نزدیک به وضعیت «قطعاً در معرض خطر» توصیف شدهٔ یونسکو (۲۰۰۳) و کمی وخیم‌تر از آن است.

این تحقیق نتایج دیگری داشته که در مقاله‌های آینده به آنها پرداخته خواهد شد: مردان بیشتر از زنان از زبان مازندرانی استفاده می‌کنند و نگرش مثبت‌تری به آن دارند؛ با افزایش تحصیلات استفاده از زبان مازندرانی کاهش می‌یابد و نگرش افراد نسبت به این زبان بدبینانه‌تر می‌شود؛ افزایش سن در افزایش کاربرد زبان مازندرانی تأثیر قطعی دارد.

این مطالعه نشان می‌دهد که زبان مازندرانی قطعاً در معرض خطر است. مهم‌ترین عامل ادامهٔ حیات هر زبانی انتقال بین‌نسلی آن زبان است. پس برای زنده ماندن زبان مازندرانی و

کم کردن خطر، بدون شک مؤثرترین اقدام انتقال بین‌نسلی است. برای محقق شدن این امر اقدامات بسیاری می‌توان انجام داد که نیازمند همت جمعی گویشوران و حمایت دولت و مراجع رسمی است. زبان‌شناسان و فعالان حوزه زبان می‌توانند نقش مؤثری در این زمینه ایفا کنند. گام اول باید آگاه‌سازی باشد. بسیاری از افراد به علت شمار زیاد گویشوران زبان مازندرانی حتی تصور نمی‌کنند که این زبان در معرض خطر باشد و اگر وضعیت انتقال بین‌نسلی به همین منوال پیش رود، در آینده‌ای نه‌چندان دور این زبان منقرض خواهد شد. بنابراین هشدار کارشناسان این حوزه و ایجاد تغییر نگرش نسبت به زبان مادری قطعاً کارساز خواهد بود. یکی از اقدامات مهم می‌تواند تلاش متخصصان برای برگزیدن یک گونه استاندارد برای این زبان و ایجاد نظام نوشتاری واحد برای آن باشد. بدین صورت می‌توان مطالب بسیاری به این زبان منتشر ساخت. در این میان نیاز است که این زبان را با علم روز و نوآوری‌ها سازگار نمود و گروهی تخصصی از ادبا و زبان‌شناسان تشکیل داد تا دستور زبان جامع و فرهنگ لغات کاملی را منتشر کنند. با اینکه آموزش به زبان مازندرانی دور از ذهن به نظر می‌رسد و با نظام آموزشی یکسان منافات دارد، اما می‌توان موادی را برای آموزش این زبان و آشنایی با ادبیات آن در برنامه درسی مدارس استان مازندران جای داد و کودکان را تشویق به نوشتن مطالبی نظیر شعر و داستان کوتاه به این زبان نمود. به این ترتیب حوزه‌های کاربرد زبان افزایش می‌یابد. اقدام دیگر تشویق نخبگان و افرادی که جایگاه اجتماعی بالایی دارند به استفاده از این زبان در مجامع استانی است. این دو مورد اخیر در کنار هم به افزایش پرستیژ این زبان کمک خواهد کرد و احساس شرم از کاربرد این زبان را کاهش خواهد داد.

## منابع

- شجاعی کیاسری، ر. و غفاری، م. ۱۳۹۶. «فعل در زبان دوبیتی‌های امیر پازواری». فرهنگ و ادبیات عامه، ۵ (۱۴): ۱۴۱-۱۷۳.
- شکری، گ. ۱۳۷۴. *مازندرانی (گویش ساری)*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- کیا، ص. ۱۳۲۷. *واژه‌نامه تبری*. تهران: دانشگاه تهران.
- محمودی بختیاری، ب. ۱۳۸۳. «فرهنگ واژگان طبری». *گویش‌شناسی*، (۲): ۱۱۲-۱۱۶.
- نوری، ن. ۱۳۸۰. *تاریخ ادبیات مازندران*. تهران: زهره.
- یزدان‌پناه لموکی، ط. ۱۳۸۵. *تاریخ مازندران باستان*. تهران: چشمه.
- Amara, M. 2006. The vitality of the Arabic language in Israel from a sociolinguistic perspective. *Adalah's Newsletter*, 29: 1-10.
- Anderbeck, K. 2013. Portraits of Indonesian language vitality. *Pacific Linguistics ICAL 2012 Proceedings 2*.
- Bello, M. 2013. *Assessing Language Vitality and Language Endangerment of Lette (Larteh)*. PhD Thesis. University of Ghana.
- Borjian, H. 2008. Two Mazandarani texts from the nineteenth century. *StudiaIranica: Center for Iranian Studies*. Volume 37, Issue: 1, page: 7-49
- Campbell, L., Heaton, R., Lee, N., Okura, E., Simpson, S., Ueki, K., and Van Way, J. 2013. New Knowledge: Findings from the Catalogue of Endangered Languages ('ELCat'). Presented at the 3rd International Conference on Language Documentation and Conservation. Honolulu, Hawai'i.
- Carreira, M. 2013. The vitality of Spanish in the United States. *Heritage Language Journal*, 10, (3), 103-120.
- Dwyer, A. M. 2011. Tools and Techniques for Endangered-Language Assessment and revitalization. In *Vitality and Viability of Minority Languages*. October 23-24, 2009. New York: Trace Foundation Lecture Series Proceedings. Preprint.
- Fierman, W. 2009. Language vitality and paths to revival: contrasting cases of Azerbaijani and Kazakh. *International Journal of the Sociology of Language*, 198, 75-104.
- Fishman, J. A. 1991. Reversing Language Shift: Theoretical and Empirical Foundations of Assistance to Threatened Languages, Vol. 76. Multilingual matters.
- Gao, K. B. 2015. Assessing the Linguistic Vitality of Miqie: An Endangered Ngwi (Loloish) Language of Yunnan, China. *Language Documentation & Conservation* 9, 164-191.
- Giles, H., Bourhis, R.Y., and Taylor, D.M. 1977. Towards a theory of language in ethnic group relations. In H. Giles (Ed.). *Language, Ethnicity and Intergroup Relations*. (pp. 307-348). London, UK: Academic Press.

- Harwood, J., Giles, h., and Bourhis, R. Y. 1994. The genesis of vitality theory: Historical patterns and discorsal dimensions. *International Journal of the Sociology of Language*, 108, 1, 167-206.
- How, S. Y., Heng, C. S., and Abdullah, A. N. 2015. Language Vitality of Malaysian languages and its Relation to Identity. *GEMA Online® Journal of Language Studies*, 15, (2), 119-136.
- Isaacs, M. 1999. Haredi, haymish and frim: Yiddish vitality and language choice in a transnational, multilingual community. *International Journal of the Sociology of Language* 138, (1), 9-30.
- Lee, N. H., & Van Way, J. (2016). Assessing levels of endangerment in the Catalogue of Endangered Languages (ELCat) using the Language Endangerment Index (LEI). *Language in Society*. 45, (2), 271-292.
- Lewis, P. M., & Simons, G. F. 2010. Assessing Endangerment: Expanding Fishman's GIDS. *Revue Roumaine de Linguistique*, 55, 103-120.
- Mohamed, N., & Hashim, N. H. 2012. Language vitality of the Sihan community in Sarawak, Malaysia. *KEMANUSIAAN: The Asian Journal of Humanities*, 19, (1), 59-86.
- Rasinger, S. M. 2013, Language shift and vitality perceptions amongst London's second-generation Bangladeshis. *Journal of Multilingual and Multicultural Development*, 34, (1), 46-60.
- Ravindranath, M. 2009. Language Shift and the Speech Community: Sociolinguistic Change in a Garifuna Community in Belize. *Publicly Accessible Penn Dissertations*. 33. <https://repository.upenn.edu/edissertations/33>
- Sachdev, I. and Bourhis, R. Y. 1990. Bilinguality and multilinguality. *Handbook of language and social psychology*, 293- 308.
- Schmidt, A. 1990. *The loss of Australia's Aboriginal language heritage*. Canberra: Aboriginal Studies.
- Shahidi, M. 2008. *A Sociolinguistic Study of Language Shift in Mazandarani*. Uppsala University.
- UNESCO Ad Hoc Expert Group on Endangered Languages. 2003. Language Vitality and Endangerment. Document submitted to the International Expert Meeting on UNESCO Programme Safeguarding of Endangered Languages. Paris, 10-12 March 2003.
- Yagmur, K., and Kroon, S. 2003. Ethno- linguistic vitality perceptions and language revitalisation in Bashkortostan. *Journal of Multilingual and Multicultural Development*, 24, 4, 319-336.

## Assessing Linguistic Vitality of Mazandarani in Urban areas

Mohammad Vakhideh<sup>1</sup>  
Mohammad-Amin Sorahi<sup>2\*</sup>  
Maryam Danaye Tus<sup>3</sup>

Received: 2020/02/07

Accepted: 2020/07/23

### Abstract

Language vitality is a concept that indicates to how extent a language is used as a communication instrument in different social situations. The highest point of the vitality of a language is when the language is applied in full-scale both at home and outside in the society for all purposes while the lowest point is when no one applies the language for no purpose, that is to say the language is extinct. Nowadays, threats to languages are a global crisis, since the number of children who learn their native languages is remarkably decreasing. Mazandarani is not also excluded from this threat. The aim of this study is to apply UNESCO framework that is a result of a collaboration of an expert group of scholars on endangered languages, to assess the vitality of Mazandarani in urban areas. Analyzing the data resulted from questionnaires, official and library sources and field study indicated that Mazandarani receives the point 2.74, a situation a bit worse than what is defined as “definitely endangered” in UNESCO framework for assessing the vitality and endangerment of languages. Discussion on research variables, gender, education, and age, specified that comparing to women, men totally both have a better and more positive attitude toward Mazandarani language and use it more. As education level rises, the use of Mazandarani decreases and the attitude of speaker society toward this language becomes more negative and pessimistic as well.

**Keywords:** Language vitality, Mazandarani, Sociolinguistics, Language shift, UNESCO

---

1. Graduated in General Linguistics, University of Guilan, Rasht, Iran.

2. Assistant Professor of General Linguistics, University of Guilan, Rasht, Iran. (Corresponding Author) \*Email: aminsorahi@hotmail.com

3. Associate Professor of General Linguistics, University of Guilan, Rasht, Iran.



### **1. Introduction**

Linguistic vitality is a concept that was introduced in the final quarter of the 20th century, when with the growth of communication technology, the world was becoming a desolate. The need for communication forced many communities to leave their native language, and this process caused tremendous language death.

So far, no research has been conducted to determine the amount of danger the Mazandarani language variety might come across and explain its reasons. Therefore, the present study follows two main objectives: determining the linguistic vitality status of Mazandarani and introducing and presenting a scientific framework that can determine the vital status of other Iranian language varieties and provide the language policy-makers with the results.

### **2. Theoretical Framework**

This study was conducted based on the linguistic vitality assessment framework of UNESCO (2003) on endangered languages. UNESCO (2003) has introduced nine factors for assessing language vitality which together are very useful in determining the general sociological status of languages. These factors are: 1) intergenerational transmission of language, 2) Definite number of speakers, 3) Ratio of speakers to the total population, 4) Areas in which language is used, 5) Response to new areas and media, 6) Application in language teaching and literacy, 7) Attitudes and language policies of the government and official authorities, 8) Attitudes of community members towards their language and 9) Quantity and quality of documentation. None of these factors can be used alone, because a language that is in a high position based on one factor may need immediate attention and action based on other factors. For each of the above factors, except for the definite number of speakers, 6 different degrees have been considered, each of which indicates a degree of linguistic life and risk.

### **3. Methodology**

The data of this research was culled in Mazandaran province. To collect data, based on the 9 UNESCO factors a closed-ended questionnaire consisting of 22 questions was developed. The validity and reliability of this questionnaire was confirmed by several linguists and sociologists of language.

The status of 6 out of the 9 UNESCO factors was assessed through the data obtained from the questionnaire, and the other 3 factors, namely the definite

number of speakers, the use in language teaching and literacy, and the quantity and quality of language documentation based on information and statistical reports, documents in libraries, websites, references to schools, education departments, as well as language teaching institutes and schools.

In order to collect data uniformly and as close as possible to the real situation of Mazandaran language in terms of life and endangerment, researchers divided the province into three geographical areas to distribute the questionnaires in equal numbers.

Based on the Cochran's formula, the sample population of the study was determined 665 people for each area which was a total of 1995 people. 800 questionnaires were distributed in each of the three eastern, central and western regions of Mazandaran province, however, a total of 1601 answered questionnaires returned. The participants of this study were divided into several groups based on three factors: age, gender and level of education.

#### **4. Results & Discussion**

For each of the factors, the participants were divided into the following categories: female up to 20 years, female 21 to 40 years, and female 41 years and above, male up to 20 years, male 21 to 40 years and male 41 years and higher.

According to the data of this study, the intergenerational transmission factor is assigned a score of 2.83, which means that the status of this factor is slightly worse than the "definitely at risk" situation. Due to the decreasing trend of the number of speakers, the factor of definite number of speakers has been assigned 3 points, which indicates that the trend of the number of speakers of Mazandarani language also shows a definite danger for this language.

The ratio of Mazandarani language speakers, which is directly related to the number of speakers, received a score of 3 and indicates a definite danger. The domain of language application is given a score of 3.33, which indicates the existence of "gradual reduction of domains" and "existence of multilingualism" together. In terms of responding to new domains and media, this language is completely "inactive" and has received a score of zero.

In terms of application in education and literacy, Mazandarani has gained a score of 2, which means that despite the written materials, there is practically not much use for it. The attitudes and policies of the government and official authorities in Mazandarani have also received a score of 3, which means "passive matching" in the geographical area in which

Mazandarani is used. In other words, the situation is such that in practice, the Mazandarani language community is moving towards assimilation. The attitude of the members of Mazandarani linguistic community toward their language has gained a score of 3.50. This score indicates that while most members support the preservation of their language, many are indifferent. The quantity and quality of Mazandarani documentation can be examined in two distinct categories: "audio and video recording" and "grammar, dictionary, texts and literature". A score of 4.00 is given to the quantity and quality of the documentation. Finally, the average of these 9 points, which is equal to 2.74, indicates the status of Mazandarani vitality and its degree of risk: a situation that is close to the "definitely endangered" situation described by UNESCO (2003) but slightly worse.

### **5. Conclusions & suggestions**

This study shows that the Mazandarani language is definitely in danger. The most important factor in the survival of any language is the intergenerational transmission of that language. Therefore, in order to protect Mazandarani language and reduce the dangers that threaten its existence, it is undoubtedly really effective to pay a serious attention to intergenerational transmission. To achieve this, many measures can be taken that require the collective efforts of speakers and the support of the government and official authorities. Linguists and language activists can play an effective role in this case. The first step should be awareness. Due to the large number of speakers of Mazandarani, many people do not even think that this language is endangered and if the situation of intergenerational transmission continues in the same way, this language will become extinct in the not too distant future. Therefore, warning experts in this field and changing attitudes towards the mother tongue will definitely work.

### **Select Bibliography**

- Anderbeck, K. 2013. Portraits of Indonesian language vitality. *Pacific Linguistics ICAL 2012 Proceedings 2*.
- Bello, M. 2013. *Assessing Language Vitality and Language Endangerment of Lete (Larteh)*. PhD Thesis. University of Ghana.
- Dwyer, A. M. 2011. Tools and Techniques for Endangered-Language Assessment and revitalization. In: *Vitality and Viability of Minority Languages*. October 23-24, 2009. New York: Trace Foundation Lecture Series Proceedings. Preprint.

- Gao, K. B. 2015. Assessing the Linguistic Vitality of Mique: An Endangered Ngwi (Loloish) Language of Yunnan, China. *Language Documentation & Conservation* 9, 164-191.
- How, S. Y., Heng, C. S., and Abdullah, A. N. 2015. Language Vitality of Malaysian Languages and Its Relation to Identity. *GEMA Online® Journal of Language Studies*, 15, (2), 119-136.
- Lee, N. H., & Van Way, J. (2016). Assessing Levels of Endangerment in the Catalogue of Endangered Languages (ELCat) Using the Language Endangerment Index (LEI). *Language in Society*. 45, (2), 271-292.
- Lewis, P. M., & Simons, G. F. 2010. Assessing Endangerment: Expanding Fishman's GIDS. *Revue Roumaine de Linguistique*, 55, 103-120.
- Mohamed, N., & Hashim, N. H. 2012. Language vitality of the Sihan community in Sarawak, Malaysia. *KEMANUSIAAN: The Asian Journal of Humanities*, 19, (1), 59-86.
- UNESCO Ad Hoc Expert Group on Endangered Languages. 2003. Language Vitality and Endangerment. Document submitted to the International Expert Meeting on UNESCO Program Safeguarding of Endangered Languages. Paris, 10-12 March 2003.
- Yagmur, K., and Kroon, S. 2003. Ethno- linguistic vitality perceptions and language revitalization in Bashkortostan. *Journal of Multilingual and Multicultural Development*, 24, 4, 319-336.

